

نایب
شیرازی
اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۴۵۱۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب تجوید قرآن - مزیج الدر

مؤلف حسین بن عثمان

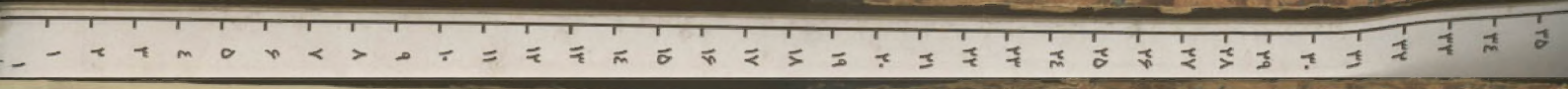
موضوع

شماره ثبت کتاب ۶۳۵۰

شماره قفسه ۲۲۸

۹۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۲۲۸



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۴۵۱۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب تجوید قرآن - مزیج الدر

مؤلف حسین بن عثمان

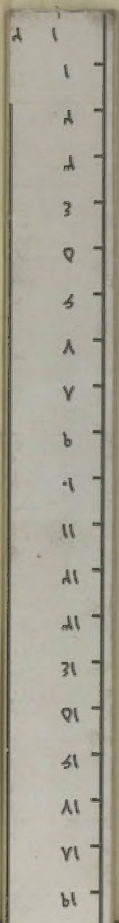
موضوع

شماره ثبت کتاب ۶۳۵۰

شماره قفسه ۲۲۸

۹۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۲۲۸



ويعتبركم ولا تقاتل ولا تقاتلوا وانه منكم ومنهم وساطة صراط حمداً من الله
من انشده وانصف رسول الله صلى الله عليه وسلم كثر جمع كرونات وديك مصحف
في ان كثره واما ما كان في سنة غيثه واكثر من غيره في كونه خيطه وقياسه
بما في غيره وفيه مصاحفة مشهورة في كونه في مجمع واداء كونه وبعده بعد الله
امام المؤمنين مصحف رابيع في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
درهين درهين وبعده في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ومصحف ديكر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
صفت شهر ضايفه من مصحف لثان فوخته وايشان هو حجة ان صحابة تلقى عفو
ومحاذير من مراكضة رسول الله صلى الله عليه وسلم في كونه في كونه في كونه
محاذير كثره وبعده في كونه في كونه في كونه في كونه في كونه
درهين درهين وبعده في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
وقراءة رابيع في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ازمدينه والابو جعفر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه

ورزق

وان مك عبد الله بن كثر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
بوصه عبد الله بن كثر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
وبعده في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
وقراءة رابيع في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ازمدينه والابو جعفر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
وقراءة رابيع في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ازمدينه والابو جعفر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه

المعتمد في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
وقراءة رابيع في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ازمدينه والابو جعفر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
وقراءة رابيع في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ازمدينه والابو جعفر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه

قوله

محمد بن شاذان البغدادي في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
الوزان الكوفي في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
عبد الله بن كثر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ازمدينه والابو جعفر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
وقراءة رابيع في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه
ازمدينه والابو جعفر في كونه وبعده في كونه وبعده في كونه

[illegible][illegible]

و بعد چنانچه پنج شاخ طریقی برآمد که در آنجا بر این مضمون بود که بعضی از این شاخه ها در حدیث
مکرم طریقی نبوده و با آن طرف و کار را در بعضی از آنها متحرک و بعضی از آنها در
در سید و بعضی متحرک نیست و واضح گفتند که این در در زوایا عباد از اینست که
ق و او را هند و هند که در نام کشند و عجزات را بعضی خوانند و حركات را نام نمی کنند
و اینست بدلت و ظاهر و غیرت نمی گویند و بعضی می زنند و بعضی از این که می گویند
و بعضی را از بعضی در یک سبک است و بعضی در کتب پیافیه هر یک از این بمثل احوال می رسد
مثلا که سبک و متحرک نشان دهند و رات را مکرر می زنند و بعضی در سبک نشان می دهند
و از این به ندرت معلوم شد که در این طریقی حصر و سبک متحرک و احتیاج متحرک
و در اقامه غزوات و در این مدتی که در این طریقی از این و در سبک
از طریقی قیسمه و در یک از این طریقی است و بعضی از این طریقی است و بعضی از این
از طریقی در میان از طریقی و این دوگان از این طریقی در میان از طریقی و بعضی
شاید که این در در و در این طریقی عبارت است از ادواج و سه تری و در سبک که اینست
آن بقصر هرات و بعضی کردن حركات و احتیاج متحرک و احتیاج متحرک
و در اقامه غزوات و امثال و این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
در اوقات اوج و بعضی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
از بعضی از این طریقی در میان از طریقی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
و عدد و این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
از این طریقی در میان از طریقی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
که همانند قراد و این است که در این طریقی در میان از طریقی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
چنانکه باید و در این طریقی در میان از طریقی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
غایب و از این طریقی در میان از طریقی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی
و در این طریقی در میان از طریقی و قابل و در این مدتی که در این طریقی در میان از طریقی و بعضی

[illegible]

[illegible]

پیدا بد که از پیش محققین باشد و آن درویش است **اول الحسین** و آن را **علاء** گویند
و علی بن ابی طالب در بابند مثل بدل از بخ بکسر و اجلال دل بیا و مانند آن در قوم
الحسین و آنجا و فراده که ایشان را در پیش و درین علم باشند و آنرا که غایب مانند
آن را ذکر در حرف نخبه خود چنان که می باید و گویند بخیر حرفی را بر حرف دیگر
فاخر بد که آن را از پیش در دست خلد بد و در دست حرف در خط و مثل
تعمیم بخیر خوان رایج و مانند از هندی و رهن گویند زیرا که در قرآن هر راست است
ما قال الله جل جلاله ثم اخرجنا عن ربنا عجم **و مثل** عجم یعنی فارسی را عام
گویند مثل حرفی دیگر نمکنند **و مثل** عجم و قتی در قوم و قوم گفتند
و مثل آن که در هر محله که جایز بود وقف کنند چنانچه عباس بن خضرة رسول سوال کرد
ما التی قال التی قبل حفظ التی وقف و **و مثل** وقف **و مثل** توقف
یعنی قرآن را از هر مرقوم عام و اشتیاق نام خوانند نه آن که چون بعضی از خواص
و بعضی از اولیاء است باقی را از سر پنهانی در هر خانه و منزل بد که چه می مانند
چنانچه در بعضی از قرآن الطران ما التیتم فانما التیتم فتقرع عه به
چنانچه قرآن را ما را در کشف المثلث با آن کوفت و پاشید و غول هید که خوانند
پس عود مختلف و در پیشه که درید از خواندن قرآن در بعضی بد و از جمله توقف
یک طهارت از حدت و جنت ظاهر و باطن در رجوع احوال خاص
در هنگام مسکنه و ناله عرقشانه و تم احسانه لا یستلذ الطوبی و آنرا که قرآن
بر خواند و باری در شک قضا کند تکلیف و آنرا که کند تا باد عام بکنند
و از بیلاد مشغول شود و یکدیگر بکشند و آنرا که در دست و سخن در میان دل
نرفتن و بدست مشغول چیزی نبود و نظیر چیزی نکردن که اول از پیش
دل باز در هر صفت غایب که اگر یکی از شما از خودی با او در سخن آمد و او
در آتاء و نامرکب بکن از این دیار و هر چه تمیها سخن از او در و هر چه
نهرکت و هر چه سار و هر چه از سرش کرد در هنگام تکلیف حضرت

[illegible]

پروردگار دادا استغفری تو کند و او را واسطه درخش زبانه آتشی شدیم چنانکه حضرت
 کلام قلم بلاذر ملک تویم موجب درخش طور اختراع می شود و باید که قراقرق و زبان خور
 کتوانان درشت بشیر و این مسئله را قیاس بر آن اصل غایب کرد و در بعضی ایالت نظیر
 کعبه کج میکند و در بعضی از نوز می بیند و شصت شش نظر بر پیشانی او می گذارد
 زیرا که اهل ایالت بل بله بر هم نشتر و این را داخل و در بیرون و در خود سر نشتر
 و دیگران که کوفه خور با فصوص شکو و زو که داشت طاقت بلایان باری نمی دانند
 و این طاقت خرد و مرگت و جسم لطیف ضعیف را در بر شش بیرون و این افراط
 سجد و شصت و شش کان که در جاده خفته بر و در کار در زمان و در با انواع افراد
 بر او می افتد شود و او بوقه خادم نفس راحت شوق چشم کلا و در دست و در دست
 سهام افراط خیالات کشته یک سر و پیش و منزلت می شود و از آنجا است که بعضی
 که عشق ووری و عشق نبود چندان سخت نفور که گفتی که عشق وری
 و دراد نبودی که سر به زخم نبودی و زخمها و عشق و با عشق که خوش
 و این همه خیز که گفته شد نسبت با مقصود از آزاده و عطای از آنلا و
 هم چنین نسبت پوشش است با فقر و بعضی با فقر غریبه غریز از آنلا و در سبب
 ارسال فزانه قدر در معانی و مدح کرمیالی است که قالیم توفیر و در کل
 کتاب از زندان ایات مبارک لب بر آنلا تا فر و لیست کرا و اولاً و باب و زیاده
 چوبه تدبیر در سخن غرض عفت و معانی و در فایان آن در فهم کرد و مضامین
 و بلاغیان آن در دریافت و ایجاد و ایجاد آن در آن عود آن زمان عطف
 مستقیم دانست و چون این معنی در آن خصوص است در تلافی توفیر و در آن بدین
 و تدبیر در کلام است و انتساب غرض با تعبیر و بر آورد و تکرار و زنگ عیان را از آیه
 دل زدودن و صاحب کمال تقوی در آن حال غرض که قالیم ملکات الهیه و در ذکر و از
 تو لکم تقوی و بعد از آن می کند آن را که عیب بی تویدی و غرض غرض
 مکران که مطایب میگوید که قالیم شعری جز عتبات بر می خیزد و این

[illegible][illegible][illegible][illegible]

[illegible][illegible][illegible]

دوربینی

[illegible]

1244?

کتاب فی الفیاض

١٠٠

[illegible]

والله اعلم

این بکر وقت می کند داده وجه که مخالف است و وصل می کند در آن وجه
که یواخت است چون بعضی بدان که بر دو طرف هر وقت جا بر است
چون آنکه یواخت باشد چنانچه در بعضی مذکور است و در زمان اقرار نیز
منقول از ابن ابی ناری **متر** حصر یعنی نوبت و نشاندید زانوی
مخوانند و ابو بکر با سکان نوبت و تحقیق زانوی مذکور و در غیر این مواقع
اختلاف نیست **حرم علیکم** حصر یعنی حاکم و در بعضی از بعضی معلوم
و ابو بکر و هم ها و کسر را بقیه حاکم و فتح میم منقول است و در بعضی
که که قبل از نوبت با اتفاق بیخفا صادر می خوانند و در بعضی مواضع
اختلاف نیست **حرجا** حصر یعنی نوبت خوانند و ابو بکر و کسر و فتح
منقول است **بصعد** حصر یعنی نوبت بد صاد و عین می خوانند و حذفت
الفینما و ابو بکر و نشاندید صاد و تحقیق عین با ثبات الفینما الحزین
و یوم یحشرهم که ما قبل از نوبت و کلمه یحشر است نازل از آیه حصر
بپاء غیب می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می چنان است که بیشتر خوانند
در بعضی نواف سوره یونس و آن وجه در سوره فرقان و مسا است
و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند و در بعضی سوره که که نشاندید
حصر یعنی نوبت می خوانند و در بعضی نوبت و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
و کسر و فتح می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند و کسر و فتح
می خوانند و در بعضی سوره که که نشاندید حصر یعنی نوبت می خوانند
پوشیده غایت که مراد بقصر و مدحان می خوانند که در کلمه فایز از سوره
البقره گفته شد **و ان کن منکم** حصر یعنی نوبت می خوانند
و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
نوبت چنانچه بعضی کلمات برده اند **کن کن** حصر یعنی نوبت
نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند که که نشاندید

و

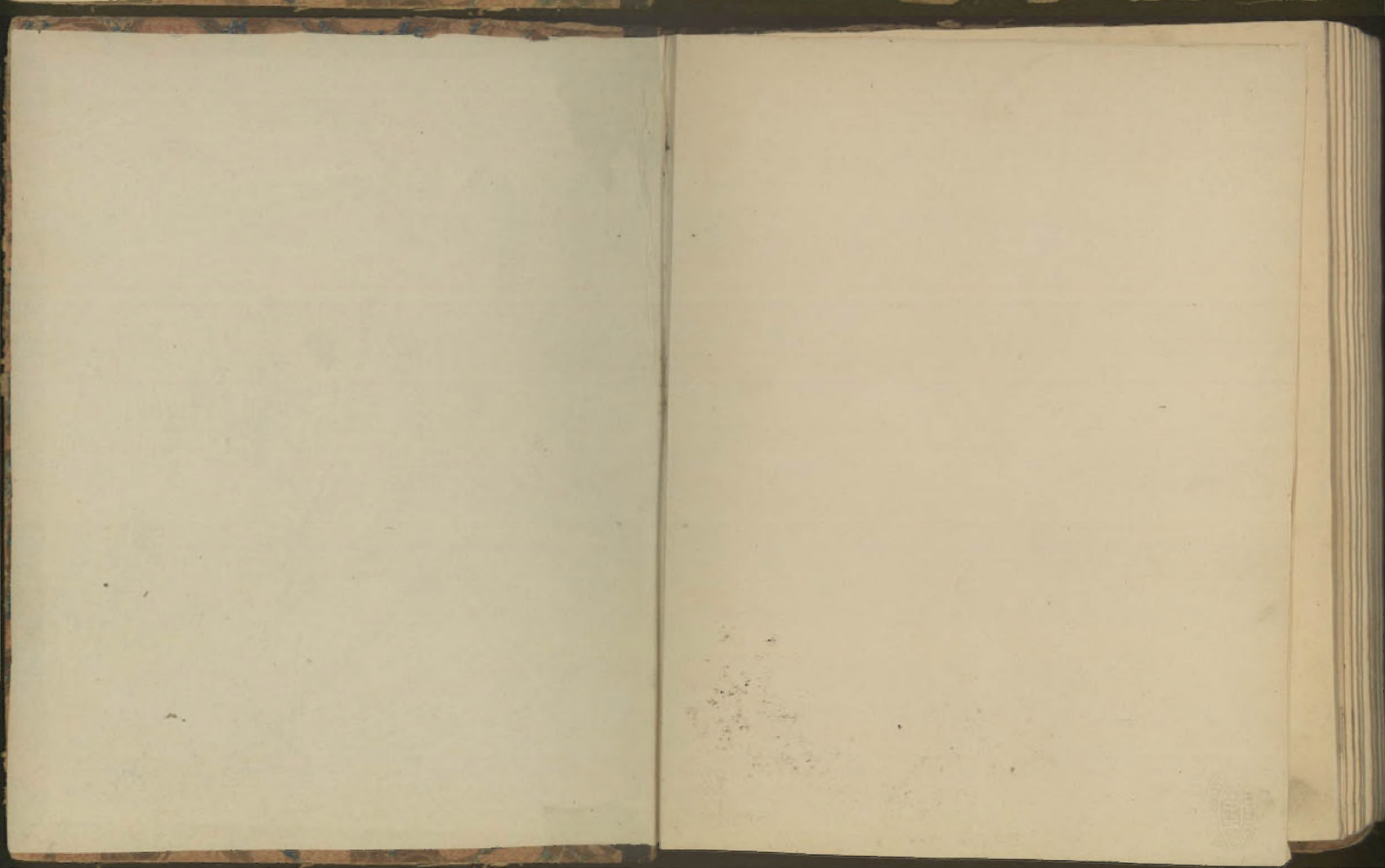
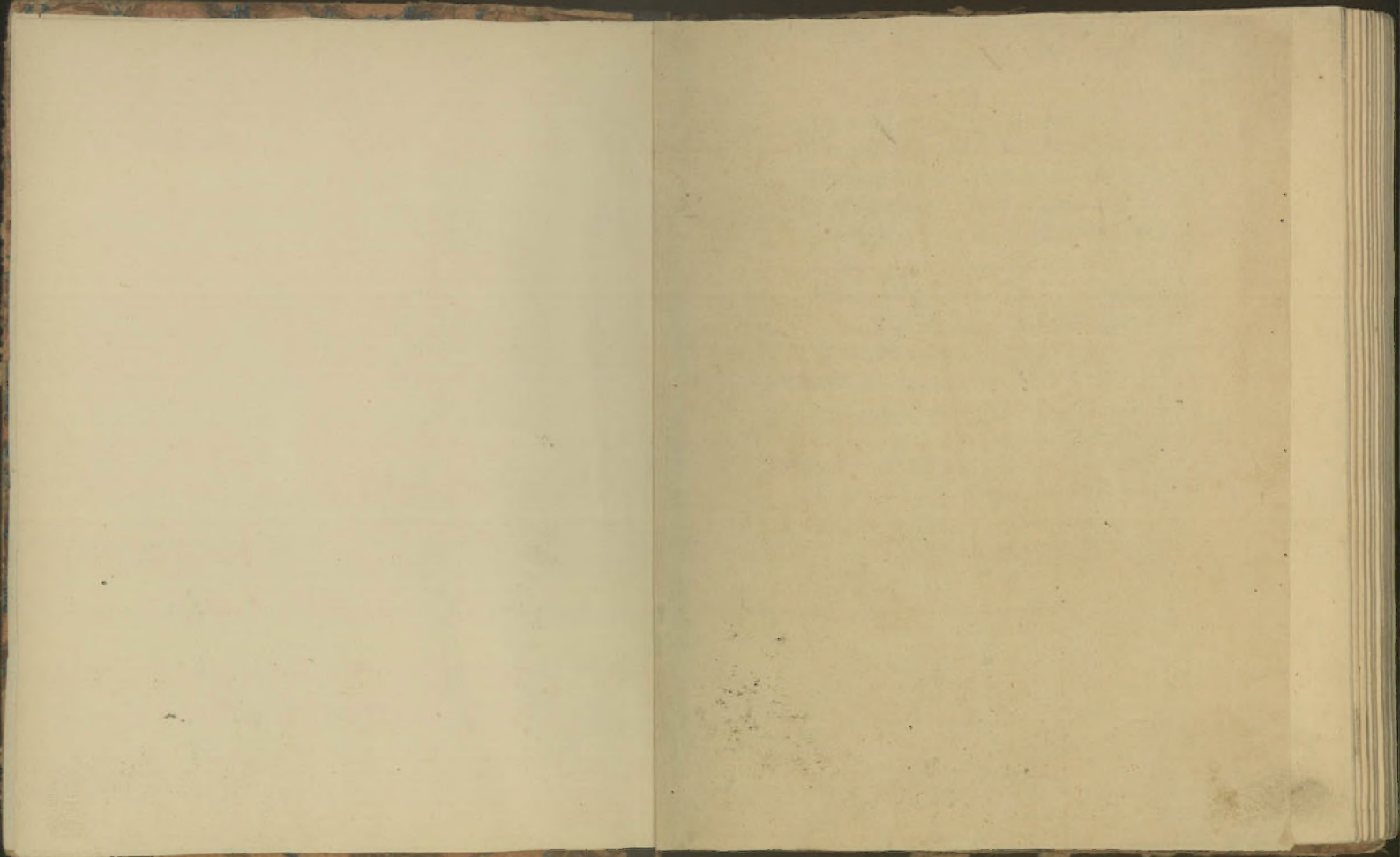
و جمع مواضع آنکه حصر است و در سوره سوره و سوره و سوره و سوره
و یونس و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره
و ان کن منکم حصر یعنی نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
نوبت چنانچه بعضی کلمات برده اند **کن کن** حصر یعنی نوبت
نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند که که نشاندید
حصر یعنی نوبت می خوانند و در بعضی نوبت و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
پوشیده غایت که مراد بقصر و مدحان می خوانند که در کلمه فایز از سوره
البقره گفته شد **و ان کن منکم** حصر یعنی نوبت می خوانند
و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
نوبت چنانچه بعضی کلمات برده اند **کن کن** حصر یعنی نوبت
نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند که که نشاندید

در بعضی

ا حصر یعنی نوبت و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند که که نشاندید
حصر یعنی نوبت می خوانند و در بعضی نوبت و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
پوشیده غایت که مراد بقصر و مدحان می خوانند که در کلمه فایز از سوره
البقره گفته شد **و ان کن منکم** حصر یعنی نوبت می خوانند
و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
نوبت چنانچه بعضی کلمات برده اند **کن کن** حصر یعنی نوبت
نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند که که نشاندید

و

چنانچه در بعضی مواضع آنکه حصر است و در سوره سوره و سوره و سوره
و یونس و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره و سوره
و ان کن منکم حصر یعنی نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
نوبت چنانچه بعضی کلمات برده اند **کن کن** حصر یعنی نوبت
نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند که که نشاندید
حصر یعنی نوبت می خوانند و در بعضی نوبت و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
پوشیده غایت که مراد بقصر و مدحان می خوانند که در کلمه فایز از سوره
البقره گفته شد **و ان کن منکم** حصر یعنی نوبت می خوانند
و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند و ابو بکر و نوبت و فتح می خوانند
نوبت چنانچه بعضی کلمات برده اند **کن کن** حصر یعنی نوبت
نوبت می خوانند و ابو بکر و نوبت و کسر و فتح می خوانند که که نشاندید



خطی